

به مناسبت 32 مین سالگرد شکست و خروج قوای متجاوز شوروی از افغانستان



سی و دو سال قبل از امروز در همین ماه اتحاد شوروی بعد از شکست، قوت‌های نظامی خود را از کشور عزیز ما افغانستان خارج کرد. البته این خروج فاقد کدام دستاورد نظامی، تحکیم آشتی ملی و انتخابات آزاد بود. اما قوای اشغالگر موجب خسارات انسانی و مالی جبران ناپذیری برای کشور و مردم مظلوم ما گردید. عمده ترین پیامد شوم آن همین جنگ اضافی از چهار دهه است که هنوز هم از مردم ما قربانی میگیرد. داکتر شیرشاه یوسفزی نویسنده کتاب **تاریخ مسخ نمیشود** مینویسد: "روسها خود به صراحت اعتراف کردند که آنها در افغانستان به بن بست رسیده بودند و در میدان سیاسی و نظامی متحمل شکست سخت و ننگین گردیده بودند که در نتیجه آن اوضاع شوروی رو به وخامت گذاشته بود. آنها در افغانستان نتوانستند با تمام وسایل و تجهیزات مدرن و سنگین دست داشته به پیروزی نظامی دست یابند و در مقابل اراده قوی مردم افغانستان که هرگز حاکمیت بیگانه را قبول ندارد، به پیروزی برسند."

جنرال گریفیس ریس انستیتوت تاریخ نظامی فدراسیون روسیه یکی از قهرمانان جنگ دوم جهانی و نویسنده کتاب های متعدد در صفحه 45 کتاب خود **افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی** در مورد چگونگی اتخاذ تصمیم خروج عساکر شوروی مینویسد: "حدود اواسط سالهای 1980 هرچه بیشتر روشن میگردد که جنگ در افغانستان برای اتحاد شوروی به بهای دشواریهای بس سنگین و مصارف هنگفت اقتصادی و پیامدهای ناهنجار سیاسی می انجامد. در این حال موقف شوروی در عرصه بین المللی به گونه روز افزون دشوارتر میگردد و هنوز گروه بندی قوت های نظامی در افغانستان بار کمر شکن و توان فرسا را بر دوش اقتصاد کشور گذاشته بود. در هر گوشه و کنار افسران و سر بازان کشته شده به خاک سپرده میشدند. اینکار که اسباب ناخوشنودی اجتماعی را فراهم میکرد، باعث نکوهش شدید در جامعه میشد. بهر حال به تصامیم بنیادی در زمینه فراخواندن قوا و پایان دادن به جنگ نیاز مبرم احساس میگردد."

الکساندر لیاخفسکی در صفحه 323 کتاب **توفان در افغانستان** مینویسد: "با آنکه سپاهیان ما با نبردهای پیروزمانده ادامه میدادند، نمی توانستند مقاومت مسلحانه مخالفین را در هم بشکنانند. به جای دسته های سرکوب شده، دسته های تازه نفس وارد میدان می شدند و به این ترتیب سربازان و افسران شوروی درک میکردند که این دسته ها گروه های شورشی نه، بلکه مردم اصلی این سرزمین هستند که در روند سده ها با ارزشها و تنشهای خود زیسته اند. این مردم که با این روحیه آزادمندی و سرکشی پرورش یافته اند، هیچ گاهی زورگویی را نمی پذیرند، و سر به آستان هیچ حکومت مرکزی نمی ساینند، چه رسد به بیگانگان! درست همین مردم بودند که سلاح بر دست برای پیکار برای ارزشهای های دینی خود به پا خاسته و از منافع بنیادین خود دفاع میکردند و به "راه رشد" که مقامات حزبی میخواستند بر آنان تحمیل کنند جواب رد دادند. نظامیان شوروی وقتی میدیدند که با مردم افغانستان میجگند، خیلی ناگوار و سنگین بود.

روایت بوریس گروموف قوماندان وقت اردوی چهلیم شوروی چنین است: "در سال 1985 رهبران شوروی با لزوم پرداختن به بررسی مسئله بیرون کردن اردوی چهلیم از افغانستان روبرو شدند. در این سال عملیات های نظامی نسبت به هر سال دیگر شدت یافته بود و رویارویی سپاهیان شوروی و نظامیان افغان در مقابل جبهه مخالف به اوج خود رسیده بود. برای ما عملاً هر روز قربانی تازه ببار میآورد. رهبران سیاسی و نظامی افغان توان آنرا نداشتند تا اوضاع را سر و سامان بدهند و وظایفی را که در برابر شان قرار داشت، به انجام برسانند. به جای اقدامات مشخص قاطعانه تنها سخنرانی های آراسته و گفتگوی های مبنی بر باور های انترناسیونالیزم و آینده میهن درخشان افغانی بگوش میرسید... حمایت از رژیم کابل و برآورده ساختن نیاز های سربازان شوروی در افغانستان مصارف نهایت سنگین و گزاف را در بر داشت. بزور اسلحه در افغانستان هیچ چیزی را نمی توانستیم بدست بیاوریم. مهمترین مسله برای ما این بود که در افغانستان کشته میدادیم و بسیاری نمی دانستند برای چه، برای کی و چرا؟ مسایلی چون کشته شدن سربازان و خسارات بزرگی که اقتصاد ناتوان ما در نتیجه تکمیل مقادیر عظیم اسلحه می دید، در درجه دوم اهمیت قرار می گرفت."

بر مبنای اظهارات فوق و صد ها موارد مستند دیگر جهان، روسیه شوروی و مردم افغانستان به این نتیجه رسیدند که شوروی ها در افغانستان شکست سیاسی و نظامی فاحش خورده اند و خسارات سنگین و قیمت گزاف را در این جنگ پرداختند و بالاخره شرمسار تاریخ گشته و راه کشور خود را در پیش گرفتند و رفتند. میراث شوم این تهاجم نظامی برای کشور و مردم ما همانطور که در مقدمه ذکر گردید، خسارات و تلفات جبران ناپذیر بود. از آنجاییکه در افغانستان احصاییه و ارقام هیچ وقت بصورت دقیق وجود ندارد، اما مطابق تخمین ها حدود یکنیم میلیون هموطن ما در این جنگ جانهای شریں خود را از دست دادند و بیش از چهار میلیون تن به کشورهای همسایه و ممالک دیگر مهاجر و آواره شدند. این تهاجم ظالمانه تمام سکتورهای اقتصادی، تعلیمی، اجتماعی و نظامی کشور را کاملاً یا قسماً نابود کرد و زیان های بی شمار را در تمام عرصه های زندگی انسانی ببار آورد.

بنیاد حقوق قربانیان از این روز به عنوان روز شکست و اخراج قوای شوروی یادآوری نموده و آنرا بنام **روز غلبه بر قوای متجاوز و اشغالگر شوروی** میشناسد. جا دارد که در اختتام از مبارزین راه حق و عدالت که در برابر طاغوت زمان یعنی روسیه شوروی ایستادگی کردند و آنهاييکه جانهای شریں خود را در میدان های نبرد به جان آفرین تسلیم کردند و به قیمت جان خود برای سرزمین و ملت شان افتخارات آفریدند، قدردانی نماییم. این روز، روز خیلی مهم در تاریخ سرزمین ما است که باید آنرا گرامی بداریم. از همین طریق پیشنهاد میگردد تا از این روز تمام افغانها در سراسر دنیا بنام **روز غلبه بر قوای متجاوز و اشغالگر شوروی** یادبود کنند. در کنار آن دولت افغانستان و نهادهای ذیربط آنرا درج تقویم رسمی کشور ساخته و از آن باید سالانه رسماً تجلیل گردد.

به امید سرفرازی و جاویدانگی مردم و سرزمین ما.



Afghanistan Victims' Rights Foundation (AVR)
بنیاد حقوق قربانیان افغانستان (بنیاد حق)